

مطالعه تطبیقی طرح، نقش و رنگ در لباس‌های اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت‌گرایی

مریم رحیمی^۱ و غلامرضا حسنی^۲

^۱ گروه پژوهش هنر، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران

^۲ گروه پژوهش هنر، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: پوشاک از ضروری‌ترین نیازهای بشر است که تاریخی به قدمت تاریخ انسان دارد و متناسب با دوره‌های گوناگون زیست بشر، جلوه‌های مختلف و وجه تاریخی یافته است. روش تحقیق این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از منظر جمع‌آوری اطلاعات توصیفی و پیمایشی بود. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه با اساتید، هنرمندان و خبرگان) صورت خواهد بود. جامعه آماری این پژوهش اساتید، هنرمندان و خبرگان که به تعداد ۳۰ نفر در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، از نمونه‌گیری صرفنظر شده، و تعداد نمونه برابر با جامعه آماری در نظر گرفته شد. یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان داد که ۱. طرح، نقش و رنگ در لباس‌های اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت‌گرایی متفاوت است (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵). ۲. طرح، نقش و رنگ در لباس‌های اقوام سیستانی و بلوچ از منظر عینیت‌گرایی متفاوت است (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵). نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌های حاصل از تحقیق، طرح، نقش و رنگ در لباس‌های اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت‌گرایی متفاوت بوده است.

واژه‌های کلیدی: طرح، نقش، رنگ، عینیت‌گرایی، ذهنیت‌گرایی، اقوام سیستانی، اقوام بلوچ

مقدمه

پوشاک، چیستی و کیستی انسان را تعریف می کند و از این رو مولفه های مهم هویتی و فرهنگی به شمار می رود. هویت فردی، جمعی یا ملی، خود جز جدایی ناپذیر از فرهنگ های بشری است و عبارتی مهمترین وجوه هویت ملی، وجوه فرهنگی آن است. بی گمان فرهنگ را باید مهمترین و غنی ترین منبع هویت دانست. افراد و گروه ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون، هویت می یابند زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشمگیری در تامین نیاز انسان ها به متمایز بودن و ادغام آنها دارند. به بیان دیگر، فرهنگ هم تفاوت آفرین است و هم انسجام بخش، هر شخصی که به زندگی خود به شیوه خاصی سازمان می دهد در واقع خود را در چهارچوب دنیایی قرار می دهد که به واسطه مرزها و تفاوت های فرهنگی از دنیای دیگر جدا می شود (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص. ۲۳۹).

بیان مسأله

از منظر آنتونی گیدنز، هویت عبارت از «خود»، آن طوری که شخص از خودش تعریف می کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می دهد. هویت امری پایدار نیست بلکه یک پدیده پویا و سیال و هموار در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۸۱). تعاریف گوناگون از هویت و هویت فرهنگی، دال بر آن است که برخی ممیزات در ساخت مفهوم هویت موثرند و هویت هر فرد در شیوه خاص زندگی او جلوه گر می شود. فرهنگ و میراث فرهنگی یک ملت کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی آن ملت است که به نحو ناخودآگاه یا خود آگاه آن ملت را تحت تأثیر قرار می دهد. شاخص های مهم هویت فرهنگی شامل آیین ها و سنت های عام، جشن ها و اعیاد، ارزش های سنتی، پوشاک و طرز پوشش، معماری بناها و مکان ها، رسوم، عرف و هنرهای ملی و بومی هستند. به این ترتیب لباس و پوشش در ساخت هویت هر فرد بسیار موثر عمل می کند. در بسیاری از فرهنگ های پیش مدرن، سر و لباس در درجه اول، هویت اجتماعی و نه هویت فردی را مشخص می ساخت. امروز نیز به طور یقین، لباس و هویت اجتماعی کاملاً با هم بی ارتباط نیستند و لباس همچنان یک تمهید دلالت گرانه است که جنسیت، موقعیت طبقاتی و منزلت حرفه ای را نشان می دهد (جنکیز، ۱۳۸۱، ص. ۲۵).

پوشاک که در ابتدا تنها پوشش بدن را در برابر آسیب رسان های فیزیکی چون سرما و گرما بر عهده داشت، کم کم با ذوق هنری و زیبایی شناسی انسان عجین شد و به منزله یکی از مظاهر سبک زندگی از حس زیبایی شناختی و هنر تأثیر پذیرفت. همین تأثیر پذیری نیز موجب فعالیت های عظیم جهانی در عرصه پوشاک شد و جریان های اقتصادی مرتبط با این مقوله، بر فرهنگ جوامع تأثیر گذاشتند از نقاط عطف این تأثیر گذاری می توان به دوره پس از جنگ جهانی دوم اشاره کرد زیرا پس از آن مصرف، جایگاه متفاوتی در جامعه پیدا کرد که فراتر از پاسخ گویی به نیازهای زیستی بود و جواب دهی به گروهی از ارزش ها را مد نظر قرار می داد. از این رو که پوشاک به منزله کالایی بسیار پرمصرف موضوع صنعتی شد که در آن برآیندی از موازین زیبایی شناسی و ارزشی بسیار تعیین کننده بود. صنعتی که با ظهور یا افول عامدانه معیارهای زیبایی در پوشاک و مد به معنی مجموعه ای از شیوه ها و روشهای استفاده از پوشاک را هر چندگاه تغییر می داد تا مصرف کنندگان محصولات را به طور مستمر در حال خرید نگاه دارد.

مدها را می توان قراردادی نانوشته اما وضع شده در اجتماع دانست زیرا انسان ها را برای حفظ حیثیت اجتماعی خود به نوعی همگونی متمایل می سازد. فرهنگ پوشاک در جوامع گوناگون مبانی مختلفی دارد. اما در یک بررسی کلی و تطبیقی میان پوشاک در فرهنگ های سنتی و فرهنگ های مدرن می توان به وجود دو اصل پی برد: اصل ثبات در پوشاک سنتی و اصل ناپایداری در پوشاک مدرن. لباس ها در فرهنگ های سنتی علیرغم تنوع و گوناگونی متناسب با گروه های اجتماعی از اصول تعریف شده ای برخوردارند که از آن عدول نمی کنند. این اصول نامتغیر برآمده از ثبات جامعه سنتی است. حال آنکه پوشاک در فرهنگ های مدرن، پدیده ای متأثر از نظام سرمایه داری، برخاسته از انقلاب صنعتی اروپاست و برآمده از اصل تغییر و گونه گونی دائمی معیارهای اجتماعی و جامعه است (سرافرازی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۴۸).

اهمیت و ضرورت پژوهش

از نقطه نظر مقایسه ای یکی از مهمترین مولفه ها در قیاس پوشاک دو قوم، بررسی تطبیقی نقوش و طرح پارچه های استفاده شده جهت تولید پوشاک آنها می باشد. در این مطالعه نیز ما بر اساس قاعده کلی موجود و جهت مقایسه لباس بانوان سیستانی و زنان بلوچ بیشتر به سراغ طرح و نقش پارچه های لباس هایشان رفته ایم، به طور کلی نقوش مورد استفاده در طراحی دکوراتی و لباس زنانه عبارت اند از:

الف: نقوش طبیعت گران (عینیت گرایی)

بر تصاویر لباس هایی که از دوره های مختلف باقیمانده، انواع نقوش طبیعی مانند نقش انسان، جانوران و گلها و گیاهان مختلف مشاهده می شود؛ و از این نظر بین تزئین لباس و سایر آثار هنری تفاوتی وجود ندارد. تمام قواعدی که در طراحی عناصر طبیعت در هنر ایران رعایت می شود در تزئین پوشاک نیز صدق می کند.

ب: نقوش انتزاعی یا استیلیزه:

استفاده از نقوش انتزاعی مانند اسلیمی و ختایی و بته جقه در بافت پارچه ها و نیز انواع رودوزی های لباس از رایج ترین تزئینات لباس است. این طرح ها از گل ها و گیاهان اقتباس و متناسب با ذوق و سلیقه مردم هر منطقه طراحی شده اند. این نوع تزئین لباس نیز هم به صورت تکرار نقوش در سطح پارچه و هم به صورت رودوزی های سرتاسری یا موضعی کاربرد دارد. علاوه بر نقوش گل ها و برگ ها، یکی از مهم ترین نقوش تزئینی ایرانی نقش بته جقه است.

ج: نقوش هندسی

استفاده از اشکال هندسی رایج ترین نوع رودوزی در تزئین لباس در میان اقوام محلی ایران است. طرح های هندسی در لباس اقوام سیستانی و بلوچ از تنوع چشمگیری برخوردار است. در نقوش هندسی تزئینات لباس هاء تأثیرات کاشی کاری و معماری ایرانی مشهود بوده و غنای نقوش هندسی در لباس نواحی مختلف و نیز دوره های تاریخی قابل توجه است.

تاریخچه لباس مردم سیستان و بلوچستان

لباس مردم بلوچستان فقط یک پوشش نیست، بلکه پشتوانه ای از فرهنگ یکی از اصیل ترین اقوام ایرانی را به همراه دارد. مردم بلوچ جز معدود اقوام ایرانی هستند که به پوشش محلی خودشان پایبندند و معتقدند که مکمل شخصیت نشان بارز هویتی از آنهاست. لباس بلوچ، برگرفته از طرح های اصیل ایرانی است. طرح هایی که درهم می آمیزند و حس شاعرانه ای به آنها می دهند. حکایت لباس زنان بلوچ به تار و پود زندگی، فرهنگ و اجتماع آنها گره خورده است. زنان طبق رسومات قدیمی در مراسم مهم و اعیاد علاقه دارند که لباس های سنتی خودشان را بپوشند، علاقه ای که طی سال های طولانی سبب حفظ جایگاه لباس سنتی بلوچ و سوزن دوزی شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۲). با توجه به مطالب گفته شده به بررسی مطالعه تطبیقی طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرایی پرداخته شده و سوال اصلی این پژوهش این است که مطالعه تطبیقی طرح، نقش و رنگ در لباس های اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرایی چگونه است؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از منظر جمع آوری اطلاعات توصیفی و پیمایشی می باشد که به مطالعه تطبیقی طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرایی پرداخته خواهد شد

تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها

در این بخش یافته های حاصل از آزمون فرضیه ها و قضاوت در مورد پذیرش و رد فرضیه ها ارائه شده است.

بررسی مفروضات اولیه

پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرای.

H_0 : توزیع متغیرهای طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرای نرمال نمی باشد.
 H_1 : توزیع متغیرهای طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرای نرمال می باشد.
 جهت بررسی نرمال بودن توزیع طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرای، از آزمون کلموگروف-اسمیرن استفاده شده است. نتایج این تحلیل در جدول ۱-ارائه گردیده است.
 جدول ۱- نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرن جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت و عینیت گرای

متغیر	گروه	آماره آزمون	سطح معناداری
طرح	ذهنیت گرای	۱/۲۱	۰/۱۰۴
	عینیت گرای	۱/۲۹	۰/۱۵۶
نقش	ذهنیت گرای	۰/۸۸۹	۰/۶۰۸
	عینیت گرای	۰/۵۴۳	۰/۹۳۰
رنگ	ذهنیت گرای	۰/۶۴۵	۰/۷۹۹
	عینیت گرای	۰/۴۵۸	۰/۹۸۵

براساس نتایج درج شده در جدول ۱-و با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون تمامی متغیر بیشتر از ۰/۰۵ می باشد لذا توزیع متغیرهای مورد نظر در دو گروه نرمال است و از آزمون تی نمونه های مستقل برای مقایسه دو گروه استفاده می شود.

بررسی فرضیه های تحقیق

فرضیه اول:

به نظر میرسد طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت گرای متفاوت است.
 برای بررسی این فرضیه از آزمون تی نمونه های مستقل استفاده شده است. این آزمون دارای پیش فرض نرمال بودن داده ها در دو منظر ذهنیت گرای و عینیت گرای بوده است که با توجه به جدول ۲-، این پیش فرض برقرار بوده است. نتایج آزمون تی نمونه های مستقل در جدول ۲-۴ آورده شده است.

جدول ۲- نتایج مربوط به آزمون مقایسه میانگین طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت گرای

متغیر	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
طرح، نقش و رنگ	-۰/۰۷۳	۳۰	۰/۰۰۲۳

براساس نتایج جدول ۲- تفاوت معناداری بین طرح،نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر ذهنیت گرایی وجود دارد (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵).

فرضیه دوم:

به نظر میرسد طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر عینیت گرایی متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تی نمونه های مستقل استفاده شده است. این آزمون دارای پیش فرض نرمال بودن داده ها در دو منظر ذهنیت گرایی و عینیت گرایی بوده است که با توجه به جدول ۳- این پیش فرض برقرار بوده است. نتایج آزمون تی نمونه های مستقل در جدول ۳- آورده شده است.

جدول ۳- نتایج مربوط به آزمون مقایسه میانگین طرح، نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر عینیت گرایی

متغیر	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
طرح،نقش و رنگ	۲/۸۴	۳۰	۰/۰۰۵

باتوجه به جدول ۳- تفاوت معناداری بین میانگین نمرات طرح،نقش و رنگ در لباسهای اقوام سیستانی و بلوچ از منظر عینیت گرایی وجود داشته است (سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵).

نتیجه گیری

یکی از راه های شناسایی ویژگی های فرهنگی هر قومی مطالعه پوشاک آن هاست. پوشاک سنتی در هر جامعه ای می تواند نشان دهنده هویت و فرهنگ آنان باشد. پوشاک سنتی سیستانی و بلوچ به دلیل کاربرد فراوانش ارزشمند ترین سرمایه فرهنگی آنها است و بعد بصری هویت اجتماعی و فرهنگی این قوم ها را نشان می دهد. مهم ترین مشخصه پوشاک سیستانی و بلوچ، طرح،نقش،رنگ آن است که بر لباس ها دوخته می شود. نقوش هندسی این هنر ارزش های نمادین فرهنگ و هویت پیشین عشایری این اقوام را نشان می دهد. در میان هیچ قوم عشایری دیگری در ایران این گونه نقوش هندسی بر پوشاک تیلور نیافته است. از طرف دیگر در سال های اخیر تعیین نشان فرهنگی شهرها و اقوام مختلف که بتواند به صورتی موجز در راستای اهداف توسعه ای، معرف کلیت فرهنگ منطقه باشد مورد توجه قرار گرفته است. تعیین این نمادهای فرهنگی به پایداری و حفظ هویت اقوام مزبور کمک کرده و به شناسایی و شهرت فرهنگ مورد نظر منجر خواهد شد. کاربرد فراوان طرح،نقش،رنگ بر پوشاک می تواند به عنوان مهم ترین نشانه هویتی و فرهنگی اقوام سیستانی و بلوچ تعیین شود.

فرهنگ سرزمین سیستان و بلوچستان در صد سال اخیر در زمینه پوشاک بدون تغییر باقی مانده است. با وجود تغییرات بسیار در لباس اقوام شهر نشین ایرانی، هنوز هم منتسبین به این اقوام، حتی در شهرها، اهتمام خاصی به پوشیدن لباس های سنتی خود دارند. جذاب ترین وجه پوشاک سنتی سیستانی و بلوچ، در پوشاک زنان آن به واسطه طرح،نقش و رنگ های جذابش مشاهده می شود. پوشاک و صنایع دستی به کار رفته در آن از عوامل اساسی معرفی فرهنگ ها و نمایش تجسمی هویت آنها است. طرح،نقش و رنگ ضمن داشتن ارزش های تجسمی والا، به دلیل کاربرد فراوانش می تواند مهم ترین سرمایه مادی هویتی- فرهنگی بلوچ باشد. در طرح های هندسی هنر سوزن دوزی می توان حاصل برآورد کلی از فرهنگ و هویت این اقوام را تشخیص داد.

در این مطالعه تطبیقی ضمن بررسی طرح،نقش و رنگ مفهوم هویت و نشان فرهنگی و اهمیت آن ها، پیشینه تاریخی اقوام سیستانی و بلوچ جهت آشنایی با فرهنگ و هویتشان مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به اهمیت پوشاک و تزئینات آن، همراه با مشخصات تجسمی اش پرداخته شد تا بتوان اثبات کرد که طرح،نقش و رنگ لباس های اقوام سیستانی و بلوچ می تواند به

عنوان نشان فرهنگی این اقوام در نظر گرفته شود. در حقیقت باید بتوان زیبایی شناسی لباس های این اقوام را بر ویژگی های هویتی و فرهنگی آن تطبیق داد تا در نهایت این هنر را به عنوان نشان فرهنگی برگزید. مطالعات بسیاری پیرامون ویژگی های لباس های اقوام سیستانی و بلوچ صورت گرفته است، از مواد مصرفی این هنر و روش اجرای آن گرفته تا نقش و طرح و مفاهیم آن. مانند کتاب های سوزن دوزی بلوچ اثر زهرا ریگی و کتاب دیگری با همین عنوان اثر صدیقه صادقی دخت. همچنین مطالعاتی پیرامون چگونگی رواج هنر سوزن دوزی در میان این قوم و اهتمام بر استفاده از آن بر پوشاک زنانه انجام شده است. از آن جمله مقاله «پوشاک محلی بلوچها و پیوستگی آن با هویت ملی» است که در فصلنامه مطالعات ملی به چاپ رسیده است. در این مقاله بر حسب اندازه گیری آماری در میان ساکنان منطقه بلوچستان، میزان تمایل آنان نسبت به کاربرد پوشاک محلی زنانه که سوزن دوزی را نیز شامل می شود، سنجیده شده است. نتیجه غیر مستقیم این است که هنر سوزن دوزی، به موازات پوشاک محلی زنانه، مورد اقبال بیش از ۹۰ درصد قوم بلوچ در شهرها و روستاهاست. از دیگر مطالعات ارزشمند در این زمینه می توان به مواردی اشاره نمود که به مقایسه نقوش و زمینه های کاربرد هنر سوزن دوزی در میان اقوام ایرانی پرداخته است؛ همچون قوم ترکمن که قرابت فرهنگی-هنری نیز با بلوچها دارند. مقاله «تحول کاربرد تزئین در سوزن دوزی بلوچ و ترکمن به شیوه سنتی و مدرن» که در دو فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات هنر اسلامی به چاپ رسیده است، در این بین بیشتر مورد توجه بوده است. حسین یآوری نیز نکات مفصلی پیرامون ویژگی های انواع رودوزی های سنتی ایرانی و نیز هنر سوزن دوزی بلوچ در کتبی چون آشنایی با هنرهای سنتی ایران و شناخت صنایع دستی ایران ارائه کرده است. در چنین شرایطی تعلق خاطری که اقوام سیستانی و بلوچ به پوشاک سنتی خود دارند، بسیار ارزشمند است. چنانچه مهم ترین وجه فرهنگی سیستانی و بلوچ شناسایی شده و به عنوان یک نشان قومی و فرهنگی مورد تبلیغ قرار گیرد، می توان نسبت به تداوم این تعلق خاطر فرهنگی و قومی در کوران نفوذ فرهنگ های غالب امیدوار بود.

هنر و صنایع دستی مهم ترین نمود بصری فرهنگی هر جامعه ای را تشکیل می دهد و یکی از بهترین گزینه ها برای حفظ هویت فرهنگی، تمسک به این موارد است. صنایع دستی اثری متعلق به روزگاران سپری شده است که در زمان حال به حیاتش ادامه می دهد و تا مدت ها پس از روزگار خویش باقی می ماند. در میان صنایع دستی سیستانی و بلوچ که انواع فراوانی را همچون حصیربافی، سفالگری، معرق صدف، طلاسازی و ... شامل می شود، طرح و نقش و رنگ لباس های اقوام سیستانی و بلوچ با کاربرد تزئین پوشاک از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا پرکاربردترین و مورد پذیرش ترین وجه هنری این اقوام است که همچنان در کنار زندگی شهرنشینی توانسته جایگاه خود را حفظ کند.

منابع

- گیدنز، انتونی، (۱۳۸۲)، **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج یاراحمدی، شیراز
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱)، **جهانی شدن، فرهنگ و هویت**، تهران، نشر نی
- سرافرازی، مریم؛ فتانه محمودی و جواد نوری، (۱۳۹۸)، **مطالعه تطبیقی طرح و نقش لباس اجتماع بانوان ایران و تاجیکستان (مطالعه موردی: لباس بانوان ترکمن ایران)**، کنفرانس ملی مهندسی نساجی، پوشاک و مد، قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم-شهر،
- احمدی، حمید (۱۳۸۹)؛ **قومیت و قوم گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت**، تهران: نی.
- بزرگ زاده، عبد السلام (۱۳۸۷)؛ **«شرحی بر موسیقی بلوچستان»**، نشریه نجوای فرهنگ، ش ۸ و ۹، صص